

در جبهه‌ی غله

از مصاحبه با دانشجویان دانشکده‌ی استادان سرخ،
فرهنگستان کمونیست و دانشگاه اسوردلف

۲۸ ماه مه سال ۱۹۲۸

ی. و. استالین

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

تیر ۱۳۸۷

در جبهه‌ی غله

از مصاحبه با دانشجویان دانشکده‌ی استادان سرخ،
فرهنگستان کمونیست و دانشگاه اسوردلف

۲۸ ماه مه سال ۱۹۲۸

پرسش. از دشواری‌هایی که در امر غله برای ما رخ داده است، چه چیز را باید نکته‌ی اصلی دانست؟ راه خلاصی از این دشواری‌ها در چیست؟ به مناسبت این مشکلات چه نتیجه‌ای باید درباره‌ی آهنگ سرعت پیشرفت صنایع عموماً و از نظر تناسب میان صنایع سبک و سنگین خصوصاً بگیریم؟

پاسخ. در نظر اول ممکن است چنین وانمود شود که دشواری‌های ما در امر غله تصادفی بوده، فقط نتیجه‌ی نقشه‌کشی بد یا فقط نتیجه‌ی یک سلسله اشتباه در ترازبندی اقتصادی می‌باشد. لیکن تنها در نظر اول ممکن است چنین وانمود شود. در حقیقت امر، علل دشواری‌ها در اینجا به مراتب عمیق‌تر می‌باشند. تردیدی نمی‌توان داشت که نقشه‌کشی بد و اشتباهات در ترازبندی اقتصادی نقش قابل توجهی در اینجا بازی کرده است. ولی همه چیز را هم نتیجه‌ی نقشه‌کشی بد و اشتباهات تصادفی دانستن خود خطای فاحشی است. از رل و اهمیت نقشه‌کشی، کاستن اشتباه است. ولی اگر در نقش کار از نقشه مبالغه نموده و خیال کنیم، ترقیات ما به درجه‌ای رسیده‌اند که امکان داریم هر چیز و همه چیزمان را از روی نقشه تهیه نموده و تنظیم نمائیم مرتکب خطای فاحش‌تری شده‌ایم. نباید فراموش کنیم که سوای عناصری که می‌توانند تحت تأثیر نقشه‌ی ما در آیند، عناصر دیگری نیز در اقتصاد ملی ما وجود دارند که عجالتاً به نقشه‌کشی ما تن در نمی‌دهند و بالاخره طبقاتی وجود دارند که با ما دشمن هستند و آنها را از طریق ساده‌ی تنظیم نقشه از طرف کمیسیون نقشه‌کشی دولت نمی‌توان مغلوب ساخت. برای این است که به فکر من همه چیز را نمی‌شود منوط به تصادف عادی یا از اشتباهات نقشه‌کشی و امثال آن دانست.

پس اساس دشواری‌های ما در جبهه‌ی غله عبارت از چیست؟

اساس دشواری‌های ما در موضوع غله آن است که افزایش تولید غله‌ی کالائی از افزایش نیازمندی‌های ما به غله کند تر است. صنایع رشد می‌کنند. عده‌ی کارگران رو به فزونی می‌نهد. شهرها توسعه می‌یابند، بالاخره نواحی تولید مواد خام فنی (پنبه، کتان، چغندر و غیره)، که به غله‌ی کالائی احتیاج دارند، بسط می‌یابند. و همه‌ی اینها موجب افزایش احتیاج به غله، یعنی غله‌ی کالائی می‌گردد. و اما تولید غله‌ی کالائی با سرعتی بی‌نهایت آهسته رشد می‌کند. نمی‌توان گفت غله‌ی تهیه‌شده‌ی ما که در اختیار دولت است امسال از پارسال یا دو سال پیش کمتر است. برعکس دولت ما امسال به مراتب بیشتر از سال‌های گذشته غله در دست داشت. با این حال ما از حیث غله در مقابل خود دشواری‌هایی داریم. اینک ارقامی چند، در سال ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶ تا اول ماه آوریل ما توانستیم ۴۳۴ میلیون پوپ غله تهیه و تدارک نمائیم. از آن جمله ۱۲۳ میلیون پوپ به خارج صادر کردیم. بنابراین ۳۱۱ میلیون پوپ از غله‌ی تدارکی ما در کشور باقی می‌ماند. در سال ۱۹۲۶ - ۲۷، ما تا اول ماه آوریل ۵۹۶ میلیون پوپ غله آماده داشتیم. از این مقدار ۱۵۳ میلیون پوپ به خارجه فرستادیم. ۴۴۳ میلیون پوپ غله‌ی آماده در کشور باقی می‌ماند. در سال ۱۹۲۷ - ۲۸، تا اول آوریل، ۵۷۶ میلیون پوپ آماده داشتیم. از این مقدار ۲۷ میلیون پوپ به خارجه فرستادیم. ۵۴۹ میلیون پوپ غله‌ی آماده در کشور باقی می‌ماند. به عبارت اخیری امسال تا اول آوریل برای مصرف کشور ۱۰۰ میلیون پوپ بیشتر از سال قبل و ۲۳۰ میلیون پوپ بیشتر از دو سال قبل آماده داشتیم. با وجود همه‌ی اینها امسال در جبهه‌ی غله دشواری‌هایی داریم.

من در یکی از گزارش‌های خود گفته بودم که از این دشواری‌ها عناصر سرمایه‌داری روستا و پیش از همه، کولاک‌ها استفاده نمودند تا این که سیاست اقتصادی شوروی را دچار ناکامی سازند. شما می‌دانید که حکومت شوروی به منظور از بین بردن عملیات ضد شوروی کولاک‌ها یک سلسله اقداماتی نموده است. بنابراین در این خصوص اینجا به تفصیل کلام نخواهیم پرداخت. در این مورد مسئله‌ی دیگری توجه مرا به خود جلب می‌کند. من موضوع علل کندی رشد غله‌ی کالائی را در نظر دارم، موضوع این که رشد کالائی ما نسبت به رشد مصرف غله، با این که مساحت کشتزارها و محصول کلی غله‌ی ما به میزان پیش از جنگ رسیده است، آهسته تر ترقی می‌کند.

مگر حقیقتاً این خود یک واقعیتی نیست که اینک مساحت کشتزارهای ما به میزان قبل از جنگ رسیده است؟ آری، واقعیت است. مگر این خود واقعیت نیست که محصول کلی غله‌ی سال گذشته به میزان تولید پیش از جنگ یعنی به پنج میلیارد پوپ رسیده بود؟ آری، واقعیت است. پس در این صورت علت این کیفیت که ما غله‌ی کالائی را از زمان پیش از جنگ دو برابر کمتر تولید کرده و

به خارجه هم از زمان پیش از جنگ قریب ۲۰ دفعه کمتر غله صادر می کنیم چیست؟ پیش از همه و به طور عمده علتش آن است که ساختمان اقتصاد روستائی ما در نتیجهی انقلاب اکتبر تغییر یافته و از اقتصاد بزرگ ملاکی و اقتصاد بزرگ کولاکی، که بیش ترین مقدار غلهی کالائی را می داد به اقتصاد کوچک و میانه حال روستائی بدل گشته است که به کم ترین مقدار، غلهی کالائی را می دهد. تنها خود این مطلب که ما پیش از جنگ ۱۵ - ۱۶ میلیون اقتصاد منفرد روستائی داشتیم اما حالا ۲۴ - ۲۵ میلیون اقتصاد روستائی داریم؛ تنها خود این مطلب حاکی از آن است که پایگاه اساسی کشاورزی ما اقتصاد کوچک روستائی است که به مقدار حداقل غلهی کالائی می دهد. توانائی اقتصاد بزرگ در کشاورزی، خواه اقتصاد ملاکی و از آن کولاک و خواه اقتصاد دسته جمعی در اینست که اقتصاد بزرگ امکان دارد در کشاورزی ماشین به کار برده، از اطلاعات و دستورات علمی استفاده نموده، کود به کار برد، سطح بازدهی کار را بالا برده و بدین طریق بیش ترین مقدار غلهی کالائی را بدهد. و برعکس ناتوانی اقتصاد کوچک روستائی در آن است که از این امکانها محروم و یا تقریباً محروم بوده و بنابراین اقتصاد، کم کالا و نیمه مصرف کننده می باشد. برای مثال کلخوزها و سوخوزها را می گیریم. غلهی کالائی که آنها به ما می دهند ۴۷,۲ در صد کلیهی تولید آنها است. به عبارت اخری آنها از اقتصاد ملاکی زمان پیش از جنگ بیشتر غلهی کالائی می دهند. و اما اقتصادهای کوچک و میانه حال روستائی؟ این اقتصادها از مجموع محصول خود فقط ۱۱,۲ در صد غلهی کالائی می دهند. چنان چه می بینید تفاوت، بسیار گویا است.

اینک ارقامی چند که منظره‌ای از وضع تولید غله را در زمان سابق، یعنی دورهی پیش از جنگ و زمان حاضر، یعنی دورهی بعد از اکتبر نشان می دهد. این ارقام را رفیق نمچینوف عضو هیئت مرکزی ادارهی آمار داده است. رفیق نمچینوف در یادداشت خود قید می نماید، نمی توان مدعی بود که این ارقام دقیق باشد، و این ارقام فقط امکان برآوردهای تخمینی را می دهد. لکن این ارقام برای پی بردن به تفاوت بین دورهی پیش از جنگ و دورهی بعد از اکتبر از نقطه‌ی نظر وضع تولید غله عموماً و تولید غلهی کالائی خصوصاً، کاملاً کافیت.

قبل از جنگ:

محصول کلی غله		غله کالائی(برون از روستا)			
به میلیون پوط	نسبت در صد	به میلیون پوط	نسبت در صد	نسبت کالائی در صد	
۶۰۰	۱۲,۰	۲۸۱,۶	۲۱,۶	۴۷	۱ - ملاکین
۱۹۰۰	۳۸,۰	۶۵۰,۰	۵۰,۰	۳۴	۲ - کولاکها
۲۵۰۰	۵۰,۰	۳۶۹,۰	۲۸,۴	۱۴,۷	۳ - دهقانان میانه حال و تهی دست
۵۰۰۰	۱۰۰	۱۳۰۰,۶	۱۰۰	۲۶	جمع

بعد از جنگ در سال ۱۹۲۶ - ۱۹۲۷ :

محصول کلی غله		غله کالائی(برون از روستا)			
به میلیون پوط	نسبت در صد	به میلیون پوط	نسبت در صد	نسبت کالائی در صد	
۸۰,۰	۱,۷	۳۷,۸	۶,۰	۴۷,۲	۱- سوخوزها و کلخوزها
۶۱۷,۰	۱۳,۰	۱۲۶,۰	۲۰,۰	۲۰,۰	۲ - کولاکها
۴۰۵۲,۰	۸۵,۳	۴۶۶,۲	۷۴,۰	۱۱,۲	۳ - دهقانان میانه حال و تهی دست
۴۷۴۹,۰	۱۰۰	۶۳۰,۰	۱۰۰	۱۳,۳	جمع

این جدول حاکی از چیست؟

اولاً این جدول حاکی از آن است که تولید حصه‌ی عظیم محصولات غله از ملاکین و کولاک‌ها به دهقانان خرده پا و میانه حال منتقل شده است. این به معنی آنست که دهقانان خرده پا و میانه حال به کلی از ظلم ملاکین رهائی یافته و اساس نیروی کولاک را در هم شکسته، برای بهبودی بسیار جدی وضع مادی خویش امکان به دست آورده‌اند. این در نتیجه‌ی انقلاب اکتبر است. در این امر پیش از همه آن بهره و مزیت قطعی که توده‌های عمده‌ی دهقانان از انقلاب اکتبر به دست آورده‌اند، نمایان می‌گردد.

ثانیاً این جدول حاکی از آن است که دارندگان عمده‌ی غله‌ی کالائی ما دهقانان خرده پا و پیش از همه دهقانان میانه حال می‌باشند. این نشان می‌دهد که اتحاد شوروی نه فقط از نظر محصولات کلی غله، بلکه از نظر تولید غله‌ی کالائی نیز، در نتیجه‌ی انقلاب اکتبر، کشوری دارای اقتصاد کوچک دهقانی شده و دهقان میانه حال "وجهه‌ی مرکزی" کشاورزی کشور گشته است.

ثالثاً این جدول حاکی از آن است که از بین بردن اقتصاد (بزرگ) ملاکی و بیش از سه برابر کم شدن اقتصاد (بزرگ) کولاکی و انتقال به اقتصاد کوچک دهقانی، که فقط ۱۱ درصد غله‌ی کالائی را میدهد، با وجود نبودن اقتصادیات بزرگ اشتراکی (کلخوزها و سوخوزها) که در رشته‌ی تولید غله تا اندازه‌ای ترقی کرده باشند، می‌بایستی موجب تقلیل فاحش تولید غله‌ی کالائی نسبت به زمان پیش از جنگ میشد و در حقیقت هم کار به همانجا انجامید. این خود یک واقعیتی است که ما اکنون، با وجود رسیدن به میزان محصول کلی غله‌ی پیش از جنگ، معذالک دو برابر کمتر غله‌ی کالائی داریم.

این است اساس دشواری‌های ما در جبهه‌ی غله. این است دلیل آن که نمی‌توان دشواری‌های ما را در رشته‌ی تهیه و تدارک غله یک تصادف عادی شمرد.

وظیفه‌ی غیر لازمی که سازمان‌های بازرگانی ما در امر تأمین غله‌ی یک سلسله از شهرهای کوچک و میانه بر عهده گرفتند، بدون شک در اینجا نقش معینی را بازی کرده و نمی‌توانست ذخایر غله‌ی دولت را تا درجه‌ی معینی تقلیل ندهد. ولی در این که پایه و اساس دشواری‌های ما در جبهه‌ی غله این کیفیت نبوده بلکه واقعیت کندی پیشرفت محصول کالائی کشاورزی ما نسبت به سرعت رشد مصرف و احتیاج ما به غله‌ی کالائی است، در این نیز به هیچ وجه نمی‌توان شک و تردید داشت.

راه خلاصی از این وضع کجاست؟

کسانی هستند که راه خلاصی از این وضع را بازگشت به اقتصاد کولاکی و در ترقی و توسعه‌ی اقتصاد کولاکی می‌بینند. این اشخاص جرأت نمی‌کنند از

بازگشت به اقتصاد ملاکی سخن گویند، زیرا از قرار معلوم می فهمند که در زمان ما یاوه سرائی دربارهی این چیزها خطرناکست. لیکن آنها در عوض با حرارتی بیشتر به نفع حکومت شوروی راجع به لزوم توسعهی همه جانبهی اقتصاد کولاکی سخن می رانند. این اشخاص گمان می کنند حکومت شوروی می تواند در آن واحد به دو طبقهی متضاد تکیه نماید؛ یعنی به طبقهی کولاکها که پرنسیپ اقتصادی آنها استثمار طبقهی کارگر است و به طبقهی کارگران که پرنسیپ اقتصادیشان از بین بردن هرگونه استثمار می باشد. این یک نیرنگی است شایستهی مرتجعین. حاجت به اثبات هم نیست که این "نقشه‌های" ارتجاعی با منافع طبقهی کارگر، با پرنسیپ‌های مارکسیسم، با وظایف لنینیسیم هیچ گونه وجه مشترکی ندارند. گفتگو مبنی بر این که کولاک از سرمایه‌دار شهری "بدتر نیست"، کولاک از نپمان شهری به هیچ وجه خطرناک تر نیست و بنابراین اکنون به هیچ وجه نباید از کولاکها "بیمناک" باشیم، یاوه سرائی‌های توخالی لیبرالی است که به هشیاری طبقهی کارگر و توده‌های عمدهی دهقانان خلل می رساند. نباید فراموش کرد که هرگاه ما در عالم صنعت می توانیم صنایع بزرگ سوسیالیستی، را که نه دهم مجموع کالاهای صنعتی را می دهد، در مقابل سرمایه‌دار کوچک شهر قرار دهیم، در قسمت تولید روستا فقط می توانیم کلخوزها و سوخوزهایی را که هنوز مستحکم نشده و ۸ برابر از اقتصادیات کولاکی کمتر غله تولید می کنند، در مقابل تولید بزرگ کولاکی قرار دهیم. پی بردن به اهمیت اقتصاد بزرگ کولاکی در روستا، پی بردن به این نکته که وزن مخصوص کولاکها در روستا صد بار زیادتر از وزن مخصوص سرمایه‌داران در صنایع شهری می باشد؛ به معنی دیوانه شدن، علاقهی خود را با لنینیسیم قطع کردن و گرویدن به طرف دشمنان طبقهی کارگر می باشد.

پس راه خلاصی از این وضع کجاست؟

۱ - راه خلاصی پیش از همه آن است که باید از اقتصادهای کوچک عقب مانده و پراکندهی دهقانی به اقتصادهای متحد بزرگ اشتراکی، که از حیث ماشین آلات تأمین و با اطلاعات علمی مسلح شده و شایستگی آن را داشته باشد که به بیشترین مقداری غلهی کالائی تولید نماید، انتقال یافت. راه خلاصی عبارت است از این که در امر زراعت، از اقتصاد منفرد دهقانی به اقتصاد دسته جمعی یعنی اقتصاد اجتماعی بگذریم.

هنوز روزهای اول انقلاب اکتر بود که لنین حزب را به تشکیل کلخوز دعوت می کرد. از آن موقع تا کنون تبلیغ ایدهی کلخوزها در حزب ما موقوف نشده است. لیکن دعوت به تشکیل کلخوزها فقط در این اواخر انعکاس عمومی یافت. پیش از همه علتش اینست که ترقی وسیع سازمان‌های کئوپراتیوی در روستا تحولی در روحیهی دهقانان به نفع کلخوز آماده ساخت و وجود یک

سلسله کلخوزها که اینک از هر دسیاتین ۱۵۰ - ۲۰۰ پوط حاصل برداشت می کنند و ۳۰ - ۴۰ در صد آن غله‌ی کالائی است، تمایل جدی دهقانان تهیدست و قشرهای پائین دهقانان میانه حال را نسبت به کلخوز فراهم آورد.

در اینجا این کیفیت هم که دولت در این اواخر امکان یافت به نهضت کلخوزی جداً مساعدت مالی کند، دارای اهمیت کمی نیست. می دانیم که دولت امسال برای کمک به کلخوزها دو برابر بیشتر از سال قبل (بیش از ۶۰ میلیون منات) پول اختصاص داده است. کنگره‌ی ۱۵ حزب کاملاً محق بود وقتی اذعان نمود که اکنون برای جنبش توده‌ای کلخوزی شرایط لازمه فرا رسیده و تقویت نهضت کلخوزی برای ازدیاد محصول غله‌ی کالائی کشور یکی از جدی ترین وسائل است.

محصول کلی غله در کلخوزها از روی مدارک اداره‌ی مرکزی آمار در سال ۱۹۲۷ کمتر از ۵۵ میلیون پوط نبوده و غله‌ی کالائی آن به حساب متوسط ۳۰ در صد است.

موج عظیم تشکیل کلخوزهای تازه و توسعه‌ی کلخوزهای کهنه در اول همین سال باید تولید غله را در کلخوزها برای آخر سال باز هم زیادتیر نماید. وظیفه‌ی ما آن است که آهنگ سرعت کنونی ترقی و توسعه‌ی نهضت کلخوزی را حفظ نموده، کلخوزها را بزرگ تر کنیم، کلخوزهای جعلی را دور انداخته، به جای آنها کلخوزهای حقیقی بر پا کنیم و چنان رژیم‌ی برقرار سازیم که کلخوزها برای این که مبادا از مساعدت و اعتبارات دولتی محروم گردند تمام غله‌ی کالائی خود را به سازمان‌های دولتی و کئوپراتیوی تحویل نمایند. من خیال می کنم در صورتی که این شرایط رعایت می‌شود ما می توانستیم پس از سه چهار سال موفق شویم از کلخوزها در حدود ۴۰ - ۵۰ میلیون پوط غله‌ی کالائی به دست آوریم.

گاهی نهضت کلخوزی را در نقطه‌ی مقابل نهضت کئوپراتیوی قرار می دهند؛ ظاهراً به این تصور که کلخوز یک چیز و کئوپراسیون چیز دیگری است. این البته درست نیست. برخی‌ها تا جائی میروند که کلخوزها را در نقطه‌ی مقابل نقشه‌ی کئوپراتیوی لنین قرار می دهند. لازم به تذکر نیست که چنین مقابله‌ای با حقیقت هیچ گونه وجه مشترکی ندارد. در حقیقت امر، کلخوزها یک نوع کئوپراسیون، و بارزترین شکل کئوپراسیون تولیدی می باشند. کئوپراسیون داریم که برای فروش است، کئوپراسیون داریم که برای تأمین حوائج است و کئوپراسیون داریم که برای تولید است. کلخوزها عبارتند از جزئی از اجزاء جدا نشدنی نهضت کئوپراتیوی و نقشه‌ی کئوپراتیوی لنین خصوصاً. معنی عملی کردن نقشه‌ی کئوپراسیون لنین آن است که دهقانان از کئوپراسیونی که برای فروش و تأمین حوائج است به کئوپراسیون تولید یا به عبارت آخری به

کئوپراسیون کلخوزی ارتفاء یابند. علت این هم که کلخوزهای ما فقط در نتیجهی ترقی و تقویت کئوپراسیونهای فروشنده و تأمین کننده پدید آمده و توسعه می یابند، همین است.

۲ - ثانیاً راه خلاصی آن است که سوخوزهای کهنه توسعه یافته و مستحکم گردند، سوخوزهای بزرگ تازه تشکیل و ترقی داده شوند. محصولات کلی غله در سوخوزهای کنونی از روی مدارک ادارهی مرکزی آمار در سال ۱۹۲۷ کمتر از ۴۵ میلیون پوپ نبود و محصول کالائی آن عبارت از ۶۵ درصد بود. شکی نیست که در صورت پشتیبانی معینی از طرف دولت، سوخوزها می توانستند تولید غله را به طور محسوسی بالا برند. ولی وظیفه به همین جا ختم نمی گردد. تصمیمی از طرف دولت شوروی گرفته شده است که به موجب آن در نواحی که دهقانان در آنجا حصه‌هایی از زمین ندارند، سوخوزهای بزرگ جدید (هر یک از ۱۰ هزار تا ۳۰ هزار دسیاتین) باید تشکیل گردند. که پس از ۵ - ۶ سال باید قریب ۱۰۰ میلیون پوپ غلهی کالائی بدهند. هم اکنون اقدام به تشکیل این سوخوزها گردیده است. وظیفه آن است که هر طوری شده این تصمیم حکومت شوروی عملی گردد. من گمان می کنم در صورت انجام این وظایف ما می توانیم موفق شویم که پس از ۳ - ۴ سال از سوخوزهای کهنه و تازه در حدود ۸۰ - ۱۰۰ میلیون پوپ غلهی کالائی دریافت داریم.

۳ - بالاخره راه خلاصی آن است که به طور سیستماتیک حاصلخیزی اقتصادهای فردی متوسط روستائی بالا رود. ما نمی توانیم و نباید هم از اقتصاد منفرد بزرگ کولاک پشتیبانی کنیم. لیکن ما می توانیم و باید از اقتصاد خرد و متوسط روستائی پشتیبانی نموده حاصلخیزی آن را بالا برده و آن را به مسیر سازمان کئوپراتیفی جلب کنیم. این وظیفهی کهنه‌ای است که در سال ۱۹۲۱ در موقع وضع مالیات جنسی به جای وصول مازاد خواربار با تأکید مخصوصی اعلام گشته بود. این وظیفه را حزب ما در کنگره‌های ۱۴ [۱۸] و ۱۵ تأیید نموده است. اکنون دشواری‌های جبههی غله نیز درجهی اهمیت این وظیفه را تأیید می نماید. از این رو این وظیفه هم باید با همان پشتکاری که دو وظیفهی اول یعنی وظیفهی راجع به کلخوزها و وظیفهی دائر به سوخوزها انجام می گردد، انجام شود.

تمام مدارک گواهی می دهند که حاصلخیزی اقتصاد روستائی را در طی چند سال ممکن است تا ۱۵ - ۲۰ درصد بالا برد. امروز دست کم ۵ میلیون خیش در کشور ما مورد استعمال می باشد. تنها تعویض آنها به گاو آهن می تواند افزایش مهمی در تولید غلهی کشور فراهم سازد. من دیگر دربارهی تأمین اقتصادیات روستائی از حیث حداقل کود و بذر پاک شده و ماشین‌های کوچک و غیره چیزی نمی گویم. متد مقاطعه، متد عقد قرارداد در بست با دهات

و قصبات برای تأمین آنها از حیث بذر و غیره به شرط اخذ حتمی مقدار معینی محصولات غله، برای بالا بردن سطح حاصلخیزی اقتصاد روستائی و جلب دهقانان به کئوپراسیون بهترین طرز و متد کار می باشد. من تصور می کنم هرگاه در این راه فعالیت جدی ابراز گردد، پس از ۳ - ۴ سال ما بتوانیم از اقتصادیات کوچک و متوسط منفرد روستائی دست کم ۱۰۰ میلیون پوط غله‌ی کالائی دیگر دریافت داریم.

بدین طریق، در صورت انجام تمام این وظایف، ما می توانیم بعد از ۳ - ۴ سال ۲۰۰ - ۲۵۰ میلیون پوط غله‌ی کالائی تازه در اختیار دولت داشته باشیم یعنی مقداری که کم و بیش کافی است که بتوانیم به طور شایسته‌ای چه درون کشور و چه در خارج آن مانور کنیم.

چنین است اقداماتی که به طور کلی برای خلاصی از دشواری‌ها در جبهه‌ی غله ضروریست.

توأم نمودن اقدامات اساسی با اقداماتی که در راه بهبود تهیه‌ی نقشه در رشته‌ی تأمین روستا از حیث کالا جریان دارد و رهائی سازمان‌های بازرگانی از وظیفه‌ی تأمین غله‌ی یک سلسله شهرهای کوچک و متوسط؛ اینها هستند وظایف امروزی ما.

آیا در ردیف این اقدامات، انجام یک سلسله اقدامات دیگری از قبیل آهسته کردن آهنگ سرعت پیشرفت صنایع، که رشد آن باعث ترقی مهم مصرف و احتیاج ما به غله میشود و این رشد هم در حال حاضر از رشد تولید غله‌ی کالائی سریع تر می باشد، لازم نیست؟ خیر، لازم نیست. به هیچ وجه لازم نیست! آهنگ سرعت ترقی صنایع را آهسته کردن؛ به منزله‌ی تضعیف طبقه‌ی کارگر است زیرا هر گامی که در راه ترقی صنایع به جلو برداشته می شود، هر فابریک جدید، هر کارخانه‌ی نو به قول لنین یک "دژ تازه‌ی" طبقه‌ی کارگر می باشد که موقعیت‌اش را در مبارزه علیه عناصر خرده بورژوازی و در مبارزه علیه عناصر سرمایه‌داری اقتصاد ما، قوی تر می سازد. برعکس، ما باید آهنگ سرعت کنونی ترقی صنایع را به همین حال نگاه داریم و در اولین فرصت و امکان آن را بیشتر ترقی دهیم تا روستا را از کالا اشباع کرده، هر چه بیشتر از آنجا غله خارج کنیم، تا اقتصاد روستا و پیش از همه کلخوزها و سوخوزها را از حیث ماشین آلات تأمین نمائیم، تا اقتصاد روستا را صنعتی کنیم و سطح محصول کالائی آن را بالا ببریم.

شاید برای "احتیاط" بیشتری لازم می بود از ترقی صنایع سنگین جلوگیری شود تا صنایع سبک را، که به طور عمده برای بازار روستا کار می کنند، پایگاه صنایع خود سازیم؟ به هیچ وجه! این خودکشی است، این لطمه‌ایست که به تمام صنایع، منجمله به صنایع سبک ما وارد می شود. این به معنای دوری

جستن از شعار صنعتی کردن کشور و تبدیل کشور ما به زائده‌ی سیستم اقتصاد سرمایه‌داری می‌بود. ما در اینجا به دستورات معروف و مدبرانه‌ی لنین که در کنگره‌ی چهارم کمینترن از طرف وی تصریح و بیان گردیده و رعایت آن برای تمام حزب ما مطلقاً واجب است، استناد می‌جوئیم. لنین در این خصوص، در کنگره‌ی چهارم کمینترن [۱۹] چنین گفته است:

« نجات روسیه نه تنها در حاصل خوب اقتصاد روستا می‌باشد - این هنوز کم است - و نه فقط در وضع خوب صنایع سبک می‌باشد که مایحتاج دهقانان را فراهم می‌آورد - این هم هنوز کم است - برای ما صنایع سنگین نیز لازمست. »

یا این که باز می‌گوید:

« ما در هر چیز حتی در امر مدارس هم صرفه جوئی می‌کنیم. همین طور هم باید باشد چون ما می‌دانیم که بدون نجات صنایع سنگین، بدون ترمیم آن، هیچ گونه صناعی را نمی‌توانیم بنا نمائیم و بدون این، موجودیت خود را به مثابه‌ی یک کشور مستقل از دست خواهیم داد. » (جلد ۲۷ ص. ۳۴۹ چاپ روسی).

این دستورات لنین را نمی‌توان فراموش کرد. موضوع اتحاد کارگران و دهقانان به مناسبت اقداماتی که پیش بینی شده، چگونه خواهد بود؟ من خیال می‌کنم این اقدامات می‌توانند فقط کار تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان را آسان سازند. در حقیقت هم، اگر کلخوزها و سوخوزها با آهنگ سریعی ترقی و توسعه یابند؛ اگر در نتیجه‌ی کمک مستقیم به دهقانان خرده پا و میانه حال سطح حاصلخیزی اقتصاد آنها بالا رود و کئوپراسیون بیش از پیش توده‌های وسیع دهقانان را فرا گیرد؛ اگر دولت صد میلیون پوط غله‌ی کالائی دیگر که برای مانور ضروری است، به دست آورد؛ اگر در نتیجه‌ی این و مانند این اقدامات کولاک‌ها لجام شوند و به تدریج مغلوب گردند، - مگر واضح نیست که آن وقت تضاد بین طبقه‌ی کارگر و دهقانان در داخل اتحاد کارگران و دهقانان بیش از پیش زدوده خواهد شد، لزوم توسل به اقدامات فوق‌العاده در امر تهیه‌ی غله دیگر از بین خواهد رفت، توده‌های وسیع دهقانان رفته رفته بیشتر به سوی شکل‌های دسته جمعی اقتصاد رو آور خواهند شد و مبارزه برای طرد عناصر سرمایه‌داری در روستا بیش از پیش جنبه‌ی توده‌ای و

متشکل به خود خواهد گرفت. مگر واضح نیست که امر اتحاد کارگران و دهقانان از چنین اقداماتی فقط می‌تواند منتفع گردد؟

باید فقط در نظر داشت که اتحاد کارگران و دهقانان در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا یک اتحاد عادی و ساده‌ای نیست. این یک شکل مخصوص اتحاد طبقه‌ی کارگر و توده‌های زحمتکش دهقانان است که هدفش: الف) تقویت موقعیت طبقه‌ی کارگر، ب) تأمین نقش رهبری کننده‌ی طبقه‌ی کارگر در درون این اتحاد، ج) محو طبقات و جامعه‌ی طبقاتی می‌باشد. فهمیدن اتحاد کارگران و دهقانان به هر نحو دیگری؛ اپورتونیسم، منشویسم، اس‌اریسم و هر چه بگویند هست جز فقط مارکسیسم و جز فقط لنینیسم.

آیا ایده‌ی اتحاد کارگران و دهقانان را با قاعده‌ی مشهور لنین دائر بر این که دهقانان "آخرین طبقه‌ی سرمایه‌داری" می‌باشند، چگونه باید در یک جا گنجانید؟ آیا در اینجا تضادی وجود ندارد؟ در اینجا تضاد فقط ظاهری و تصویری است. در حقیقت امر اینجا هیچ تضادی نیست. در خود همان گزارش، که لنین در کنگره‌ی سوم کمینترن [۲۰] داده است و در آن دهقانان را چون "آخرین طبقه‌ی سرمایه‌داری" توصیف می‌نماید، لنین در خود همان گزارش باز و باز هم لزوم اتحاد کارگران و دهقانان را بر روی دلیل استوار ساخته و اظهار می‌دارد که:

« پرنسپ عالی دیکتاتوری؛ پشتیبانی از اتحاد پرولتاریا با دهقانان است، تا این که پرولتاریا بتواند نقش رهبری کننده و قدرت دولتی را در دست خویش نگاه دارد. »

به هر حال واضح است که لنین در اینجا هیچ تضادی مشاهده نمی‌کند. قاعده‌ی لنین را دائر بر این که دهقانان "آخرین طبقه‌ی سرمایه‌داری" هستند به چه معنی باید فهمید؟ آیا این به معنی آن نیست که دهقانان مرکب از سرمایه‌دارانند؟ نه؟ بدان معنی نیست. این اولاً به آن معنی است که دهقانان طبقه‌ی مخصوصی می‌باشند که اقتصاد را بر پایه‌ی مالکیت شخصی بر آلات و وسائل تولید بنا می‌کنند و از این جهت از طبقه‌ی پرولترها که اقتصاد را بر پایه‌ی مالکیت مشترک و دسته‌جمعی آلات و وسائل تولید بنا می‌کنند، فرق دارند. ثانیاً به آن معنی است که دهقانان آن چنان طبقه‌ای می‌باشند که از داخل خود سرمایه‌داران، کولاک‌ها و روی هم رفته هر گونه استثمار کنندگان را بیرون داده، به وجود می‌آورند و می‌پروراند.

آیا این کیفیت برای امر تشکیل اتحاد کارگران و دهقانان یک مانع بر طرف نشدنی نیست؟ نه، نیست. اتحاد پرولتاریا و دهقانان در شرایط دیکتاتوری

پرولتاریا، اتحاد با همه‌ی دهقانان نیست. اتحاد پرولتاریا با دهقانان - اتحاد طبقه‌ی کارگر با توده‌های زحمتکش دهقانان است. چنین اتحادی را بدون مبارزه علیه عناصر سرمایه‌داری دهقانان، بدون مبارزه بر ضد کولاک‌ها ممکن نیست عملی ساخت. چنین اتحادی بدون متشکل ساختن دهقانان تھی دست، که به منزله‌ی تکیه‌گاه کارگر در ده می‌باشند، استوار و محکم نخواهد بود. از این رو اتحاد کارگران و دهقانان را در شرایط کنونی دیکتاتوری پرولتاریا فقط تحت این شعار معروف لنین ممکن است عملی کرد: به دهقانان تھی دست تکیه کن، با دهقانان میانه حال اتحاد محکمی منعقد ساز، مبارزه علیه کولاک‌ها را دقیقه‌ای هم قطع نکن. زیرا فقط با انجام این شعار ممکن است امر جلب توده‌های عمده‌ی دهقانان به مجرای ساختمان سوسیالیستی عملی گردد.

بدین طریق شما می‌بینید که تضاد بین دو فرمول لنین فقط تضاد واهی و تصوریست. در حقیقت امر، هیچ تضادی بین آن دو وجود ندارد.

"پراودا" شماره‌ی ۱۲۷ - ۲ ژوئن ۱۹۲۸

ملاحظات:

[۱۸] - چهاردهمین کنگره‌ی حزب کمونیست شوروی (بلشویک) از ۱۸ تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۲۵ در مسکو برگزار گردید. گزارش سیاسی کمیته‌ی مرکزی توسط استالین داده شد. ی.و. استالین در این گزارش خاطر نشان نمود که: "کشور ما باید از کشور کشاورزی مبدل به کشور صنعتی گردد که بتواند آلات و ادوات لازم را با نیروی خود تولید کند - اینست ماهیت و اساس خط مشی عمومی ما". ضمناً تأکید نمود که برای مبارزه بر علیه‌ی کولاک، مهم‌ترین وظیفه‌ی حزب اتکاء به دهقانان فقیر، ایجاد اتحاد محکم طبقه‌ی کارگر با دهقانان میانه حال در امر ساختمان سوسیالیسم می باشد. کنگره هم چنین به لزوم تکامل کشاورزی، یاری به کشاورزان، بهتر کردن کار اقتصاد روستائی از طریق مجتمع کردن هر چه بیشتر توده‌ی دهقانان در کئوپراسیون‌ها و غیره برای ساختمان بنای سوسیالیسم تأکید نمود. (قطعنامه‌ها و تصمیمات کنگره‌ی حزب، کنفرانس حزبی و نشست کمیته‌ی مرکزی - قسمت دوم، ۱۹۴۱، ص. ۴۷ - ۹۰ به زبان روسی) و تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی (بلشویک) چاپ ۱۹۵۱، ص. ۳۴۳ - ۳۴۷ به زبان آلمانی.

[۱۹] - منظور گزارش و.ا. لنین "پنج ساله‌ی انقلاب روس و دورنمای انقلاب جهانی" در کنگره‌ی چهارم کمینترن می باشد که در تاریخ ۵ نوامبر تا ۴ دسامبر ۱۹۲۲ برگزار شد. (رجوع شود به جلد دوم، قسمت دوم آثار منتخب و.ا. لنین ص. ۸۲۹ - ۸۴۹ به زبان فارسی - ویا جلد دوم آثار منتخب به زبان آلمانی ص. ۹۶۴ - ۹۷۷ به زبان آلمانی)

[۲۰] - منظور گزارش و.ا. لنین "درباره‌ی تاکتیک حزب کمونیست روسیه" در کنگره‌ی سوم کمینترن که در تاریخ ۲۲ ژوئن تا ۱۲ ژوئیه ۱۹۲۱ برگزار گردید. (رجوع شود به چاپ چهارم روسی آثار، جلد ۳۲، ص. ۴۵۴ - ۴۷۲)

صفحه‌ی توفان در شبکه‌ی جهانی اینترنت

www.toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

toufan@toufan.org

پیروزباد حزب طبقه کارگر ایران